

زندانیهای آریامهری کفاف جنایات رژیم را نمی دهد

آزادیهای فردی و اجتماعی را درک کرده اند. آنها دریافته اند که درک رژیم از "آزادی" دیکتاتوری و استبداد و خفقان است، که درک رژیم از مبارزه ضد امپریالیستی تنها تقدیم دو دستی دهها میلیارد از داراییهای توده‌ی زحمتکش به امپریالیستها است. که هدف رژیم از بهبود وضعیت زحمتکشان تنها نابودی موجودیت آنها و هرجه بدتر کردن زندگی آنهاست... و آنها دریافته اند که منظور واقعی رژیم از تمام وعده‌ها و شعارهای عوامفریبانه، عکس آنهاست. بصیارت دیگر: دروغ، سازش با امپریالیسم، دیکتاتوری و استبداد و محو کلیت‌های آزادیهای فردی و اجتماعی اصول اساسی جمهوری اسلامی است.

و اما به موازات شکستن توهمها و توده‌گوشیدن شدید ناراضیاتی‌ها، رهبران رژیم ماقبل تاریخی جمهوری اسلامی نیز به افول ستاره‌ی بخت خویش پی برده‌اند. همان گمانی که در سال اول حکومت ارتجاعیشان از زبان بهشتی می‌گفتند:

"تا تنور داغ است باید نان را حسابند".
یعنی تا مردم در توهنت باید جمهوری اسلامی را حفته کرد، اکنون از زبان رهنمایان، این آخوندزبون

بقیه در صفحه‌ی ۱۵

یکی از برنامه‌هایی که رژیم فوق ارتجاعی جمهوری اسلامی در حال حاضر در دست اجرا دارد، ساختن زندانیهاست. طبق اطلاعات موثقی که در ریافت کرده ایم یکی از این زندانها در کاشان تحت عنوان مرکز بهداشتی در دست ساختن است. این زندان دارای ۵۰۰ سلول بدون پنجره و تشک و تاریک است که در آنها فقط محل نشستن وجود دارد.

صلا این تنها اقدامیست که این رژیم ارتجاعی با جدیت کم به انجام آن بسته است. در ظرف دو سال و نیم گذشته صدها شمار و ادعا از جانب سردمداران رژیم، که از قهر زباله‌دان ۱۴۰۰ ساله‌ی تاریخ بیرون آورده شده‌اند، عنوان شده که جنسی یکی از آنها حقیقت نداشته است. شمارهای و ادعاهایی که همه در جهت زنده نگه داشتن توهمات توده‌های زحمتکش طرح می‌گشته‌اند. فقط ردیف کردن وعده‌های دروغی که خصمی و سایر دژخیمان، چه قبل و چه بعد از بدست گرفتن قدرت، برای حفظ آزادیها و برای بهبود وضع زندگی به مردم داده‌اند، نیاز به نوشتن چندین کتاب قطور دارد. ولی اکنون پس از نزدیک به سه سال توده‌های مردم در تجربه‌ی زندگی خود به واقعیت پیچ این وعده‌ها و شعارها پی برده‌اند. آنها منظور رژیم جمهوری اسلامی از

زندانیهای

که به عمق مخالفت توده با دم دستگاه رژیم اسلامی سرمایه‌ی بوده است، می‌گویند:

"سه سال دیگر جای ۱۰۰۰ نفر باید صد هزار نفر را اعدام کنیم" (نماز جمعه‌ی ۱۰ مهرماه ۱۳۶۰) و این درحالیست که وی پیش از این بشیرمانه ادعا کرده است که:

"اگر امروزه منظورم اوایل انقلاب است، ۲۰۰ نفر از اینها را میکشیم و اعدامشان می‌کردیم امروز اینقدر نمی‌شدند" (همانجا)

گوئی این مردک پست میپندارد که حافظه‌ی دیگران نیز چون حافظه‌ی او مصلحتاً دچار نسیان شده است. او فراموش کرده است که چگونه این فاشیستهای نوکیسه تنها با وعده‌های دروغین مبنی بر استقرار آزادی بر سر کار آمدند. ایشان فراموش کرده‌اند که هنوز پس از دو سال و چند ماه که از قیام باشکوه بهمن، و واقعه‌ی

شوم و کثیف بدست‌گیری قدرت توسط رژیم جمهوری اسلامی می‌گذرد، هنوز بخودچهرات نمیده‌ند رسماً اعلام کنند که قدم به قدم، پای‌جای پای شاه خائوسن گذارده‌اند و حتی از او نیز فراتر رفته‌اند: ساواک تشکیل می‌دهند، زندان می‌سازند، دست به کشتارهای دسته‌جمعی مبارزین و حتی کودکان می‌زنند... چون از سرنوشت محتوم خود بی‌بناکند. حتی می‌ترسند اعلام ساختن زندان مرگشان را تسریع کند. گمان می‌برند میتوان میلیونها توده‌ی مردم را تحت سخت‌ترین فشارها و جنایتها قرارداد و سپس برای جلوگیری از طغیان آنها دست به تدارک ساختن زندانها زد. بیچاره‌ها اگر میتوانند در ایران یک دیسوار بلند نیز بر می‌افراشتند.

خبر عالیجنابان! شاه درباره‌ی موفقیت خود در این زمینه داستانهای فراوانی برای گفتن دارد. از اوسئوال کنید! بزودی به این فیض نایل خواهید شد.

